

Evoking Epic Characters In The Novel As Social Act (Case study: The novel of *Tahmineh's Story*)

Azam Nikkhah Fardaghi*

Samira Bameshki**

Abstract

Today inviting epic characters into novel is one of the main means for writers to express personal and social concerns, the concerns which are directly related to the metatextual context of producing of the work. The purpose of this study is to investigate how and why epic characters are called to this novel, the connection of these elements with the context of the hypertext and also to examine the author's position. Thus in this research, we first analyze the socio-political context of the time of writing the novel (mid-seventies and early eighties in solar calendar). Then, by using the method of qualitative content analysis, text coding and categorization of codes, we have clarified the author's position for or against the contexture of his metatext. It is worth mentioning that we have used the 2020 version of Maxqda software to analyze and extract tables and graphs. Findings of this research show that Mohammad Ali evokes epic characters to his work so that some modernist discourses of the Reform period; including attention to women's rights, their independence and different kinds of social, economic and cultural activities, and in return weaken traditionalist discourses, such as patriarchy, mere motherhood and the lack of independence of women.

Keywords: Rostam and Sohrab, Tahmineh, Persian Novel, *Tahmineh & Rostam*, Story Social Act.

* PhD student in Persian language and literature, Ferdowsi University of Mashhad,
azam_nikkhah@yahoo.com

** Assistant Professor of Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author), bameshki@um.ac.ir

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 15/08/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

فراخوانی شخصیت‌های حماسی در رمان به‌مثابه کنش اجتماعی (مطالعه موردی: رمان قصه تهمینه)

اعظم نیک‌خواه فاردقی*

سمیرا بامشکی**

چکیده

امروزه، فراخوانی شخصیت‌های حماسی به رمان یکی از دست‌مایه‌های اصلی نویسندگان برای بیان دغدغه‌های فردی و اجتماعی خود است؛ دغدغه‌هایی که ارتباطی مستقیم با بافت فرامتن تولید اثر دارند. باتوجه به این نکته، هدف از پژوهش حاضر بررسی چگونگی و چرایی فراخوانی شخصیت‌های حماسی به این رمان، پیوند این عناصر با بافت فرامتن، و هم‌چنین بررسی موضع نویسنده است. بنابراین، در این پژوهش نخست به واکاوی بافت سیاسی - اجتماعی زمان نگارش رمان (اواسط دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی) پرداخته شده است. سپس، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری متن و مقوله‌بندی کدها، موضع موافق یا مخالف نویسنده به بافت فرامتن خود روشن شده است. شایان ذکر است برای تحلیل و استخراج جدول‌ها و نمودارها از نسخه ۲۰۲۰ نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد محمدعلی شخصیت‌های حماسی را به اثر خود فرامی‌خواند تا برخی گفتمان‌های تجددخواهانه دوره اصلاحات از جمله توجه به حقوق زنان، استقلال، و انواع فعالیت اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی آن‌ها را تقویت و درمقابل برخی گفتمان‌های سنت‌گرا، از جمله مردسالاری، مادرهمسری صرف، و عدم استقلال زن را تضعیف کند.

کلیدواژه‌ها: تهمینه، رستم و سهراب، رمان فارسی، قصه تهمینه، کنش اجتماعی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، azam_nikkhah@yahoo.com

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، bameshki@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

۱.۱ طرح مسئله و روش پژوهش

رمان یکی از گونه‌های ادبی است که باتوجه به ماهیتش در دهه‌های اخیر بسیار مورد توجه نویسندگان و هم‌چنین خوانندگان قرار گرفته است. میرعابدینی از این گونه ادبی با عنوان «مطرح‌ترین طرز ادبی زمانه» نام می‌برد و بر آن است که بحران‌های اجتماعی - سیاسی جامعه، انقلاب، جنگ، و درهم‌ریزی مرزها از عواملی است که انسان را با دنیایی پیچیده و نابه‌سامان روبه‌رو می‌کند و انسان برای شناخت این دنیای پیچیده به رسانه‌ای مناسب نیاز دارد. از سوی دیگر، به‌باور او، نویسندگان قرار گرفته در موقعیتی بحرانی و درگیر با انبوه تجربه‌ها نیز افق عاطفی و فکری گسترده‌تری می‌یابند. بنابراین، میل راه‌یابی به درون آدم‌هایی از طبقات گوناگون وجود آن‌ها را فرامی‌گیرد (میرعابدینی ۱۳۹۷). به‌این ترتیب، این رمان است که چنین امکانی را هم برای نویسندگان و هم خوانندگان فراهم می‌کند. افزون‌براین، رمان بستری مناسب برای نمایش ظرفیت حماسه‌ها و اسطوره‌ها نیز هست؛ حماسه‌ها و اسطوره‌هایی که به اقتضای روزگار خود معانی جدیدی می‌یابند و تعبیر مختلفی از زندگی را بیان می‌کنند و همین ظرفیت در سال‌های اخیر باعث به‌وجود آمدن گونه ادبی رمان اسطوره‌ای شده است. باتوجه به این که رمان قصه تهمینه به این نوع ادبی تعلق دارد، نگارندگان در این پژوهش در پی پاسخ به دو پرسش اساسی‌اند: نویسنده این رمان چرا شخصیت‌های حماسی را به رمان خود فراخوانده و این فراخوانی چگونه صورت گرفته است؟

بنابراین، نخست، باتوجه به این که این رمان در اوایل دهه ۱۳۸۰ (۱۳۸۲) چاپ شده است، نگارندگان دهه ۱۳۷۰ را با تأکید بر نیمه دوم این دهه، که به زمان نگارش و چاپ رمان مورد نظر نزدیک‌تر است، می‌کاوند و برخی روی داده‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط را استخراج می‌کنند. سپس، مرتبط با این روی داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، متن^۱ را کدگذاری و کدها را مقوله‌بندی می‌کنند، و در نهایت به یاری نسخه ۲۰۲۰ نرم‌افزار مکس کیودا (maxqda)، که نرم‌افزاری است برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، جدول‌ها و نمودارهای مرتبط با مسئله پژوهش را استخراج می‌کنند و، از این طریق، نوع ارتباط میان فراخوانی شخصیت‌های حماسی به رمان را با بافت سیاسی - اجتماعی تولید آثار و هم‌چنین موضع موافق یا مخالف نویسنده به برخی گفتمان‌های موجود در بافت فرامتن روشن می‌کنند.

۲.۱ پیشینه پژوهش

مدعای اصلی پژوهش حاضر این است که میان فراخوانی شخصیت‌های حماسی به رمان قصه تمهینه، نوشته محمد محمدعلی، با بافت سیاسی - اجتماعی زمان تولید این اثر، یعنی نیمه دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰، پیوندی مستقیم وجود دارد. به بیان بهتر، نویسنده این رمان شخصیت‌های حماسی را به اثر خود فرامی‌خواند تا از این طریق موضع سیاسی و اجتماعی موافق یا مخالف خود را به بافت فرامتن نشان دهد.

درباره رمان قصه تمهینه تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است. قاسم‌زاده و بزرگ بیگدلی (۱۳۹۶)، در کتاب *رمان اسطوره‌ای؛ نقد و تحلیل جریان اسطوره‌گرایی در رمان فارسی*، تلاش محمدعلی را برای استفاده از روایت‌های اسطوره‌ای ناشی از چند دلیل دانسته‌اند، از جمله اسطوره‌گرایی محمدعلی، تمایل او به مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، و موضوعاتی چون فمینیسم.

الهام حاجتی سرشکه (۱۳۹۶) سه صفحه از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با نام *تحلیل بازآفرینی‌های «رستم و سهراب» در داستان‌های معاصر فارسی به مقایسه دو داستان قصه تمهینه و «رستم و سهراب» شاهنامه* اختصاص می‌دهد و، در نهایت، این رمان را بازتاب دوران قبل و بعد از انقلاب و دوران جنگ می‌داند.

گل‌مرادی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنان در رمان قصه تمهینه محمد محمدعلی» به بررسی انواع سرمایه‌های بوردیوی شخصیت‌های زن داستان می‌پردازند.

حامد مهاد (۱۳۹۱)، در پژوهشی با نام *دگردیسی اسطوره در رمان فارسی*، با بررسی چهار اثر (سهراب‌کشان، سمفونی مردگان، سووشون، و آینه‌های درد)، به بیان دلایل کاربرد اسطوره و تحول آن در رمان می‌پردازد. مهاد یکی از دلایل اصلی تحول در اسطوره را گرایش به مدرنیسم و پست‌مدرنیسم می‌داند و بیش‌تر بر این موضوع تمرکز می‌کند. او هم‌چنین یکی از دیگر دلایل وجود اسطوره در رمان را مبارزه با گفتمان غالب سیاسی می‌داند، اما، با اشاره‌ای گذرا به دوره پهلوی، به سرعت از این موضوع بسیار مهم می‌گذرد.

بزرگ بیگدلی و قاسم‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «عمده‌ترین جریان‌های رمان‌نویسی معاصر در انعکاس روایت‌های اسطوره‌ای» رمان‌های فارسی را در روی آوردن به روایت‌های

اسطوره‌های به چهار دسته رمانتیسیم، رئالیسم جادویی و سوررئالیسم، مدرنیسم، و پسامدرنیسم تقسیم می‌کنند و بر آن‌اند که بنابر دلایل مختلفی رمان‌های اسطوره‌ای تحت تأثیر یکی از این دسته‌های چهارگانه نوشته می‌شوند. به‌باور آن‌ها، رمان‌های اسطوره‌ای پیش از انقلاب به دلایلی نوشته می‌شوند هم‌چون تمایلات نوستالژیک حاصل از سرخوردگی روشن‌فکران در شکست انقلاب مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، و بی‌کفایتی رژیم پهلوی متأثر از دو جریان رمانتیسیم و سوررئالیسم؛ و رمان‌های اسطوره‌ای پس از انقلاب با رویکرد رئالیسم جادویی و پس از آن مدرنیسم و پسامدرنیسم نوشته می‌شوند. بزرگ بیگدلی و قاسم‌زاده برای هر یک از این چهار عنوان نمونه‌هایی از رمان‌های فارسی را معرفی می‌کنند که برای آشنایی با این نوع از رمان بسیار راه‌گشاست.

بزرگ بیگدلی و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهشی دیگر با نام «تحلیل سیر بازتاب مضامین و روایت‌های اسطوره‌ای ایرانی در رمان‌های فارسی (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۷)» به بررسی روایت‌های اسطوره‌ای در برخی رمان‌های این برهه زمانی می‌پردازند. نویسندگان در این مقاله بیش‌تر بر دلایل گرایش به اسطوره و برهه‌های زمانی اوج‌وفروود آن در این رمان‌ها تأکید دارند. آن‌ها پیروی گسترده نویسندگان از جریان‌های مدرنیسم و پسامدرنیسم، تقویت و احیای جنبه‌های ملی، و بازگشت به سرچشمه‌های بومی به‌جای تقلید از غرب را از جمله دلایل گرایش نویسندگان دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به حماسه و اسطوره می‌دانند.

حسینی و جهان‌بخش در مقاله «سیمای زن در رمان‌های برگزیده محمد محمدعلی با تأکید بر نقد ادبی فمینیستی» (۱۳۸۹) به بررسی سه رمان محمدعلی از جمله قصه تهمینه می‌پردازند. هم‌چون نام مقاله، نویسندگان در این پژوهش بر انواع نگاه به زن در آثار محمدعلی و رشد شخصیت‌های زن داستان‌ها در خودشناسی تأکید می‌کنند و محمدعلی را در این زمینه نویسنده‌ای موفق می‌دانند که به‌خوبی زنان را شخصیت‌پردازی کرده است. بخش اصلی محتوای این مقاله را فمینیسم و دیدگاه فمینیستی نویسندگان به داستان تشکیل می‌دهد.

جهان‌بخش (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با نام *نقد فمینیستی رمان‌های محمد محمدعلی به تفصیل سه رمان از محمد محمدعلی را با نگاهی فمینیستی می‌کاود*. با توجه به این‌که مقاله‌ای که به آن اشاره شد برگرفته از این پایان‌نامه است، هدف و موضوع هر دو مشترک است.

عبدالعلی دستغیب (۱۳۸۵)، در «نگاه عبدالعلی دستغیب به قصه تهمینه»، قصه تهمینه را گزارشی سطحی و روزنامه‌ای از روی داده‌های دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ می‌داند و بر آن است که، به‌رغم این‌که نوشته پشت جلد از مواجهه شخصیت‌های داستان با مدرنیته سخن می‌گوید، این شخصیت‌ها اصلاً مدرنیته را تجربه نکرده‌اند. او هم‌چنین بر آن است که محمدعلی «رستم و سهراب» شاهنامه را امروزی نکرده، بلکه تحریف کرده؛ تحریفی که قصه را به خیمه‌شب‌بازی تبدیل کرده است.

ماکان گلستان (۱۴۰۰) در یادداشتی با نام «داستان پایان‌ها» صرفاً به تطبیق داستان «رستم و سهراب» شاهنامه با قصه تهمینه می‌پردازد و اشاره‌ای گذرا به حاکمیت مردسالاری نهفته در این داستان می‌کند.

همان‌گونه‌که ملاحظه می‌شود، پژوهش‌های پیشین در مجموع یا دغدغه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را دارند یا دغدغه فمینیسمی که آن را نیز از پی آمده‌های پسا‌مدرنیسم می‌دانند. عده‌ای از این پژوهش‌گران هم، که اشاره‌ای بسیار کوتاه و در حد یک یا دو جمله به اوضاع سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی می‌کنند، به همین مقدار بسنده کرده و توجهشان بیش‌تر به سال‌های پیش یا پس از انقلاب معطوف است؛ درحالی‌که نگارندگان در پژوهش حاضر در پی آن‌اند تا با خوانشی قصدگرا، که به‌گفته ابوت (۱۳۹۷) در کتاب *سواد روایت*، به نویسنده پشت نویسنده نهفته توجه دارد، موضع مخالف یا موافق محمد عبدالعلی را به‌مثابه کنشی اجتماعی درمقابل برخی هنجارهای اجتماعی غالب در سال‌های نگارش (یا نزدیک به نگارش) رمان *قصه تهمینه* به‌تفصیل بکاوند. بنابراین، برای تحقق این هدف، بافت سیاسی-اجتماعی تولید این اثر و هم‌چنین قرائن موجود در رمان را مبنای بررسی خود قرار می‌دهند. این در صورتی است که هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به بافت فرامتن تولید این رمان، یعنی نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰، پرداخته‌اند.

۲. مبانی نظری

نگارندگان در این پژوهش، برای تحلیل رمان مورد مطالعه، از تحلیل محتوای کیفی یاری می‌گیرند و، با بررسی مقوله‌های موجود در آن، به تحلیل گفتمان‌های بافت فرامتن، بررسی کنش اجتماعی نویسنده، و موضع او در رمان در مقایسه با این گفتمان‌ها می‌پردازند. بنابراین، در این بخش ابزارها و مفاهیمی را می‌آورند که در تحلیل رمان از آن‌ها بهره می‌برند.

۱.۲ تحلیل محتوای کیفی

۱.۱.۲ مفهوم تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوا یکی از روش‌های رایج تحلیل داده‌های متنی در پژوهش‌های جامعه‌شناسی است (فلیک ۱۳۹۴)؛ روشی که می‌توان از آن برای تحلیل انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه‌ها، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، و ... یاری جست. روش‌های تحلیل محتوا در دو رده دسته‌بندی می‌شوند: روش‌های کمی، که واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها بسامد حضور برخی خصوصیت‌ها در محتوای متن است و روش‌های کیفی، که واحد اطلاعاتی پایه در آن‌ها وجود یا غیبت یک ویژگی است (کیوی و کامپنهود ۱۳۸۵). روش تحلیل محتوا در پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت محتوا از نوع کیفی است. استراوس و کوربین (۱۳۹۰) تحلیل کیفی را تحلیلی غیرریاضی می‌دانند که یافته‌های حاصل شده در آن به طرق مختلفی چون مشاهده، اسناد، و کتاب‌ها به دست آمده باشد.

۲.۱.۲ اجزای تحلیل کیفی

در تحقیق کیفی سه بخش وجود دارد: بخش اول تهیه داده‌هاست که به روش‌های مختلف (کتاب، مصاحبه، مشاهده، و ...) انجام می‌شود؛ بخش دوم تحلیل و مفهوم‌پردازی و، به عبارت بهتر، کدگذاری داده‌هاست؛ بخش سوم مرحله‌ای است که پژوهش‌گر به یافته‌های تحقیق دست می‌یابد و می‌تواند آن‌ها را به صورت‌های مختلف به کار گیرد (استراوس و کوربین ۱۳۹۰).

۱.۲.۱.۲ تعریف مفهوم‌سازی و کدگذاری

مفهوم‌سازی نخستین گام در تحلیل است و منظور از آن بازنمایی انتزاعی یک روی داد، شیء، عمل، و ... است که پژوهش‌گر حضور آن را در داده‌ها مهم می‌داند. نام‌گذاری پدیده‌ها به این دلیل انجام می‌شود که پژوهش‌گر بتواند روی داده‌ها، اتفاق‌ها، و اشیای مشابه را تحت یک عنوان با رده قرار دهد. در تحلیل محتوا مقوله معادل پدیده است و منظور از آن مسئله، موضوع، امر، یا روی‌دادی است که برای محقق اهمیت دارد (استراوس و کوربین ۱۳۹۵).

۲.۲.۱.۲ انواع کدگذاری

- کدگذاری باز

فرایندی تحلیلی است که از طریق آن مفهومی‌ها شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در این نوع کدگذاری، مقوله‌ها مفهومی‌هایی هستند که معنای پدیده‌ها را می‌رسانند. روش‌های مختلفی در کدگذاری باز وجود دارد؛ روش اول روش سطر به سطر است که در آن داده‌ها سطر به سطر و گاه عبارت به عبارت یا کلمه به کلمه بررسی می‌شوند؛ روش دیگر تحلیل یک جمله یا پاراگراف است؛ به این صورت که تحلیل‌گر از خودش بپرسد فکر اصلی موجود در این پاراگراف چیست؛ روش سوم از نظر گذراندن همه مدارک و مطرح کردن این پرسش است که در این جا چه می‌گذرد و چه چیزی این مدرک را متفاوت یا مشابه با دیگر مدرک‌های کدگذاری شده کرده است (همان).

- کدگذاری محوری

فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی است. در این نوع، کدگذاری در محور یک مقوله انجام می‌شود و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به هم مرتبط می‌کند؛ به بیان بهتر، این کدگذاری مقوله‌ها را با زیرمقوله‌ها از نظر ویژگی‌هایشان مرتبط می‌کند و در واقع به چگونگی تلاقی مقوله‌ها و نحوه اتصالشان توجه دارد. در کدگذاری محوری نخست ویژگی‌های یک مقوله بیان می‌شود و سپس انواع شرایط، عمل‌ها، تعامل‌ها، و پی‌آمدهای ملازم با یک پدیده شناسایی و در مرحله بعد یک مقوله به زیرمقوله‌هایش مرتبط می‌شود. مرحله آخر نیز جست‌وجوی سرخ‌هایی در داده‌هاست که رابطه مقوله‌ها را با یک‌دیگر نشان می‌دهد (همان).

- کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی نوعی دیگر از کدگذاری است که برای یک پارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها صورت می‌گیرد. یک پارچه‌سازی و منسجم‌شدن از تحلیل نخستین داده آغاز می‌شود و تا مرحله آخرین بازنویسی گزارش پژوهش ادامه دارد. یک پارچه‌سازی تعاملی است که میان تحلیل‌گر و داده‌ها رخ می‌دهد. تعیین مقوله مرکزی اولین گام در یک پارچه‌سازی است. گفتن یا نوشتن سیر داستان، استفاده از نمودار، مرتب و مرور کردن یادداشت‌ها، و ... از جمله مواردی هستند که فرایند یک پارچه‌سازی را آسان‌تر می‌کنند (همان).

- کدگذاری فرایند

در کدگذاری فرایند، به جای این که دنبال ویژگی‌ها بگردیم، به تعامل نگاه می‌کنیم و بیش‌تر به حرکت، توالی، و تغییر توجه می‌کنیم. فرایند را می‌توان به صورت‌های مختلف مفهوم‌سازی کرد. تحلیل‌گران اغلب آن را مرحله‌ای و صحنه‌به‌صحنه توصیف می‌کنند. روش دیگر مفهوم‌سازی براساس توالی یا تغییر در ماهیت عمل یا تعامل است (همان).

کدگذاری در پژوهش حاضر براساس کدگذاری باز و به‌روش سوم آن صورت گرفته است؛ به این صورت که همه مدارک موجود در متن از نظر گذرانده شده و به شباهت مدارک کدگذاری شده با یک‌دیگر هم توجه شده است.

۲.۲ گفتمان

۱.۲.۲

گفتمان اصطلاحی چندبُعدی و چندوجهی است که تعاریف متفاوتی دارد، اما، به‌باور یورگنسن و فیلیپس، در بسیاری از موارد منظور از گفتمان این است که زبان در چهارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده و مردم به‌هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند و تحلیل گفتمان نیز تحلیل همین قالب‌هاست. آن‌ها از گفتمان سیاسی و پزشکی به‌عنوان نمونه‌هایی از گفتمان نام می‌برند (یورگنسن و فیلیپس ۱۳۹۶). به‌نظر لاکلا و موف (Laclau and Mouffe 1985)، مفهوم گفتمان، علاوه بر زبان، شامل پدیده‌های اجتماعی هم می‌شود. بنابراین، همان‌طور که نشانه‌ها در زبان براساس رابطه‌شان تعریف می‌شوند، کنش‌های اجتماعی نیز معنایشان را از ارتباط با دیگر کنش‌ها به‌دست می‌آورند. بنابراین، همه کنش‌های اجتماعی را می‌توان مفصل‌بندی کرد. آن‌ها سیاست را سازمان‌دهی جامعه به‌ترتیب خاصی می‌دانند که همه سایر شکل‌های ممکن را طرد می‌کند (ibid.).

۲.۲.۲ نظریه گفتمان

لاکلا و موف هدف نظریه گفتمان را فهم امر اجتماعی به‌مثابه برساختی اجتماعی می‌دانند. ایده اصلی آن‌ها در این نظریه این است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند و معانی هم هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند. همین موضوع باعث وجود

کشمکش‌های اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت شده است و وظیفه تحلیل‌گرِ گفتمان نشان‌دادن جریان این کشمکش‌ها بر سر تثبیت معنا در همه سطوح امر اجتماعی است (ibid.).

۳.۲.۲ برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

سلطانی با تأثیر از لاکلا و موف دو تعبیر برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی را مطرح می‌کند و آن دو را شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت می‌داند. این دو سازوکارهایی‌اند که به واسطه آن‌ها گفتمان‌ها سعی می‌کنند ضعف‌های دشمن را برجسته کنند و قوت‌ها را به حاشیه رانند؛ در مقابل، جنبه‌های ضعف خود را به حاشیه ببرند و نقاط قوت خود را برجسته کنند. گفتمان‌ها، بسته به شرایط و امکانات مختلف، از شیوه‌های مختلف برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی استفاده می‌کنند (سلطانی ۱۳۹۷). شایان ذکر است سلطانی بیش‌تر بر ابزارهای زبان‌شناسی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی تأکید کرده است، در حالی که نگارندگان پژوهش حاضر برجسته‌کردن و به حاشیه‌راندن گفتمان‌ها را از طریق برخی بررسی مقوله‌های مرتبط با آن‌ها، که در رمان‌های مورد مطالعه موجودند، ثابت می‌کنند.

۴.۲.۲ کنش اجتماعی

ماکس وبر و امیل دورکیم هرکدام تعریفی از کنش اجتماعی ارائه داده‌اند که به نوعی باهم در تقابل است. تعریف وبر از کنش اجتماعی تعریفی ذهنی است. به‌باور او، کنش در صورتی اجتماعی است که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند برای آن معنای ذهنی قائل شوند و رفتار دیگران را مدنظر قرار دهند و در جریان خود از آن متأثر باشند. در حقیقت، با توجه به این تعریف، یک کنش لازم است سه معیار داشته باشد تا اجتماعی تلقی شود: نخست این‌که اشخاص باید رفتار دیگران و هم‌چنین حضور با وجود دیگران را مدنظر داشته باشند؛ دوم این‌که کنش معنادار باشد؛ یعنی کنش فرد باید ارزش علامت یا نشانه برای دیگران و کنش دیگران هم ارزش علامت یا نماد برای خود فرد داشته باشد؛ معیار سوم نیز این است که رفتار اشخاصی که در یک کنش اجتماعی دخالت دارند باید تحت تأثیر ادراک آنان از معنای کنش دیگران و کنش خاص خودشان قرار گیرد.

درمقابل، کنش اجتماعی از نظر دورکیم شامل چگونگی عمل، تفکر، و احساس است که خارج از فرد بوده، دارای نیروی اجبار و الزام است که خود را از این طریق بر فرد تحمیل می‌کند. درواقع، کنش اجتماعی از نظر او هم‌چون وجدان جمعی است که مجموعه حالت‌های عمل، تفکر، و احساسی را در بر می‌گیرد که میراث مشترک یک جامعه در طول تاریخ است. به‌این ترتیب، از نظر دورکیم، برای این‌که به یک جامعه تعلق داشته باشیم، باید دربرابر حالت‌های جمعی عمل، تفکر، و احساس خاص جامعه سر فرودآوریم و آن را قبول و به آن عمل کنیم (روشه ۱۳۹۶).

در پژوهش حاضر، نوع کنش اجتماعی نویسندگان بیش‌تر در چهارچوب تعریف مارکس و بر قرار می‌گیرد، زیرا آن‌ها در کنششان کنش‌های دیگران (کنش‌گران بافت فرامتن) را مدنظر قرار می‌دهند. هم‌چنین، کنش نویسندگان به‌نوعی نمادین است و دیگر این‌که کنش آن‌ها از کنش کنش‌گران بافت سیاسی - اجتماعی روزگارشان ناشی می‌شود.

۳. بافت فرامتن (۱۳۷۶-۱۳۸۲) با تأکید بر جایگاه زنان

قصه تهمینه در ۱۳۸۲ با محوریت زن و کنش‌های زنان برای اولین بار چاپ می‌شود. با توجه به زمان نگارش و هم‌چنین زمان چاپ این رمان، نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ را، که سال‌های نزدیک به نگارش و چاپ این اثرند، می‌کاویم تا بتوانیم به پرسش‌های مطرح‌شده در این پژوهش پاسخ گوئیم. روشن است که در این محدوده زمانی، سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲، دولت اصلاحات در انتخابات ریاست جمهوری کشور پیروز می‌شود. این دولت کلید تحول و توسعه را در عرصه سیاسی می‌داند و بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، جامعه مدنی، قانون‌گرایی، حقوق زنان و جوانان، و ... تأکید می‌کند (فوزی ۱۳۹۹: ۱۶۶). به‌این ترتیب، با پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات و توجه آن‌ها به مسائل زنان، شکاف جنسی نیز مانند دیگر شکاف‌ها (طبقه، نژاد، مذهب، و ...) فعال می‌شود؛ شکافی که پیش‌ازاین در جامعه سنتی ایران به‌دلیل تبعیت زنان از مردان همواره غیرفعال بوده است (بشیریه ۱۳۹۷: ۷۸). مقوله زنان و توجه به حقوق، مسائل، و مشارکت اجتماعی آن‌ها همواره یکی از مقوله‌های مناقشه‌برانگیز میان دو جریان فکری - سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب بوده است. این موضوع در دهه سوم

انقلاب و با روی کار آمدن دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴) ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد تا جایی که باعث ایجاد چالش‌هایی میان دو جریان می‌شود. جریان اصول‌گرا بر سنت‌ها، شعائر مذهبی، و به‌طور کلی اصالت دینی جامعه تأکید دارد و معتقد است حقوق زن و مرد، باتوجه به تفاوت‌های جنسیتی این دو، نمی‌تواند مشابه باشد. از این‌رو، راه‌کار حل مسائل و مشکلات زنان را در اجرای درست و صحیح قوانین می‌داند نه تغییر آن، اما جریان اصلاح‌طلب، که در دهه ۱۳۷۰ قدرت را در دست می‌گیرد، باور دارد که باید به مقوله‌هایی چون حقوق زنان از منظری جدید نگرست (عابدی اردکانی و عظیمی ۱۳۹۱).

یکی از اختلاف‌نظرهای این دو جریان فکری درباره ریاست مرد بر خانواده است و نکته‌ای که باعث چالش شده این است که در ماده ۱۱۰۵ مدنی ریاست خانواده جزو خصایص مرد آورده شده نه وظایف او. در صورتی که اصلاح‌طلبان معتقدند این تعریف با ساختار جامعه گذشته سازگار بوده که به قدرت فیزیکی اهمیت داده می‌شده و تصور این بوده که عقل زن ناقص است، اما در شرایط کنونی و باتوجه به گسترش دانش و افزایش فهم مردم، باید تغییرات اساسی در قوانین مربوط به حقوق زنان صورت گیرد. به‌نظر آن‌ها، بسیاری از محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان مربوط به فرهنگ، سنت، عادات، و آداب و رسوم جوامع است نه ذات اسلام. مثلاً، چنان‌چه کسی عاقل، بالغ، و رشید باشد و بتواند حسن‌وقیح خودش را تشخیص دهد، قیّم نمی‌خواهد و در کار خودش استقلال دارد (موسوی بجنوردی، به‌نقل از عابدی اردکانی و عظیمی ۱۳۹۱).

سید محمد خاتمی در ۱۳۷۶ در سخن‌رانی خود، به‌مناسبت روز زن، ضعف خودباوری و اتکاب به نفس را از یک سو و استیلای فرهنگ مردسالاری را از سوی دیگر به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات زنان ایران مطرح می‌کند و معتقد است که زنان می‌توانند در عین حال که وظایفی را به‌عنوان مادر و همسر انجام می‌دهند، در همان حال نقش اجتماعی، سیاسی، و علمی خود را نیز در جامعه ایفا کنند (خاتمی ۱۳۷۶: ۲۱). این در حالی است که استدلال نگرش سنتی جامعه این است که شرکت زنان در زندگی عمومی و سیاسی رابطه آن‌ها را با زندگی خانوادگی ضعیف می‌کند. پی‌آمد این دیدگاه هم در عرصه قانون‌گذاری تزیق عناصر مردسالارانه به قانون اساسی است که، طبق آن، پیروی از شوهران و سنت‌گرایی اصولی آرمانی را تشکیل می‌دهند. با باور این دیدگاه، بی‌تفاوتی سیاسی زنان لازمه تداوم نظام اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و جنسی مردسالارانه است (محمدی اصل ۱۳۸۳).

به عبارتی، در جریان سنت‌گرا نقش مادری - همسری زن در مقایسه با مشارکت سیاسی - اجتماعی او در اولویت است.

۴. درباره محمد محمدعلی

محمد محمدعلی در ۱۳۲۷ در تهران متولد می‌شود. پدر و مادر او اهل ادبیات‌اند و مادرش همواره او را به نوشتن تشویق می‌کند. او هم‌چنین خواهران و برادرانی دارد که اهل علم و هنرند و ردپای هنر آن‌ها را در قصه‌تعمینه می‌بینیم. برای نمونه، یکی از خواهرانش فیلم‌بردار و مستندساز و دیگری استاد سرمه‌دوزی است. محمدعلی در ۱۳۴۴ به دبیرستان مروی می‌رود؛ فضایی که نقطه عطفی در زندگی اوست و او را با انواع فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و فعالان این حوزه، هم‌چنین دیگر افراد صاحب‌نام آشنا می‌کند. نویسنده قصه‌تعمینه تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی تهران می‌گذراند (پروازان ۱۳۸۳: ۲۳).

محمدعلی هم‌زمان با چاپ نخستین اثرش، دره هند/باد گرگ داره، و انتشار چند داستان در روزنامه‌ها و مجله‌ها با تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان تهران، از جمله شمس آل‌احمد، عمران صلاحی، کاظم سادات اشکوری، و اسلام کاظمیه، آشنا می‌شود. او، هم‌زمان با انتشار دومین مجموعه داستانش، عضو کانون نویسندگان می‌شود (همان: ۲۵-۲۶). در اسفند ۱۳۷۷، به مناسبت بیست‌سالگی انقلاب، وزارت ارشاد بهترین آثار داستانی بیست سال انقلاب اسلامی را معرفی می‌کند و به محمدعلی برای داستان بازنشستگی دیپلم افتخار اعطا می‌شود (نقره‌کار ۱۳۸۱: ج ۳، ۹۲). او در ۱۳۷۹ با نگارش رمان برهنه در باد جایزه ادبی یلدا را از آن خود می‌کند. هم‌چنین، در ۱۳۸۰ نام او به‌عنوان تنها نویسنده ایرانی در فهرست پنجاه نویسنده دعوت‌شده از سراسر دنیا به جشنواره ادبی برلین قرار می‌گیرد.

۵. خلاصه رمان قصه‌تعمینه، نوشته محمد محمدعلی (چاپ اول: ۱۳۸۲)

قصه‌تعمینه داستان دختری به نام تعمینه سمنانی است که با پدرش (سرهنگی تعلیقی و بازنشسته) زندگی می‌کند. صاحب‌خانه آن‌ها خانم مهرابی است که پسری به نام

سیروس دارد. سیروس و ته‌مینه دل‌باخته یک‌دیگر می‌شوند و در نهایت ته‌مینه از او باردار می‌شود. بعد از شکایت سرهنگ سمنانی، مادر سیروس در کلاتری به سرهنگ وعده می‌دهد که دخترش را به عقد پسر خود درآورد، اما بعد از مرگ زودهنگام سرهنگ، ته‌مینه و خانم مهربابی سیروس را به امید رسیدن به آرزوهایش راهی تهران می‌کنند. زمان وضع حمل ته‌مینه فرامی‌رسد و پس‌از آن به او می‌گویند فرزندش مرده به دنیا آمده است. با گذشت زمان هم‌چنان از سیروس هیچ‌نامه یا خبری به ته‌مینه نمی‌رسد. ته‌مینه برای یافتن سیروس و گرفتن انتقام از او به تهران می‌رود و در پانسیون یکی از آشنایان خانم مهربابی ساکن می‌شود. ته‌مینه سمنانی شغل‌های مختلفی را تجربه می‌کند و، درکنار خیاطی، سرمه‌دوزی هم انجام می‌دهد و همین باعث استقلال مالی‌اش می‌شود. علاوه‌براین، با کمک دوست خود، برای بازی در یک فیلم سینمایی و هم‌چنین یک فیلم تبلیغاتی از او دعوت می‌کنند.

ته‌مینه در نهایت متوجه می‌شود که فرزندش نمرده است و خانم مهربابی و خانم افخمی با طرح نقشه‌ای او را زمان تولدش به عمه کامران افخمی سپرده‌اند. اندکی پس از این موضوع، ته‌مینه سیروس را درحالی پیدا می‌کند که وضعیت مالی خیلی خوبی دارد، اما در وضعیت جسمی بدی به‌سر می‌برد. به‌این‌ترتیب، او با سیروس ازدواج می‌کند. پس از ازدواج، سیروس به‌شدت وجود پسرش، سهراب، را انکار می‌کند. سهراب نوجوان تصمیم می‌گیرد به‌جبهه برود. ته‌مینه، که به‌شدت مخالف این موضوع است، از سیروس می‌خواهد به سهراب اجازه ندهد، اما سیروس بلافاصله رضایت‌نامه را امضا می‌کند و سهراب به‌جبهه می‌رود و دیگر برنمی‌گردد. در همان زمان، سروش، برادر ناتنی سیروس، به ایران می‌آید تا سهم ارث خودش را از سیروس بگیرد. او، به‌اصرار، سیروس را با خود به شهر و خانه مادری‌شان می‌کشانند و سپس او را در چاه فاضلابی می‌اندازد که قبلاً در حیاط خانه نامادری‌اش آماده کرده است. سیروس نیز در همان لحظه سقوط به چاه با اسلحه‌ای که همراه دارد سروش را به‌قتل می‌رساند. ازطرفی، هم‌زمان نیروهای عراقی آن‌جا را بمباران می‌کنند و هیچ اثری از آن دو برادر باقی نمی‌ماند. ازسوی‌دیگر، ته‌مینه مجبور می‌شود از کشور خارج شود و به آلمان برود و پس‌از آن تصمیم می‌گیرد داستان زندگی‌اش را با کمک دوست شاعرش بنویسد.

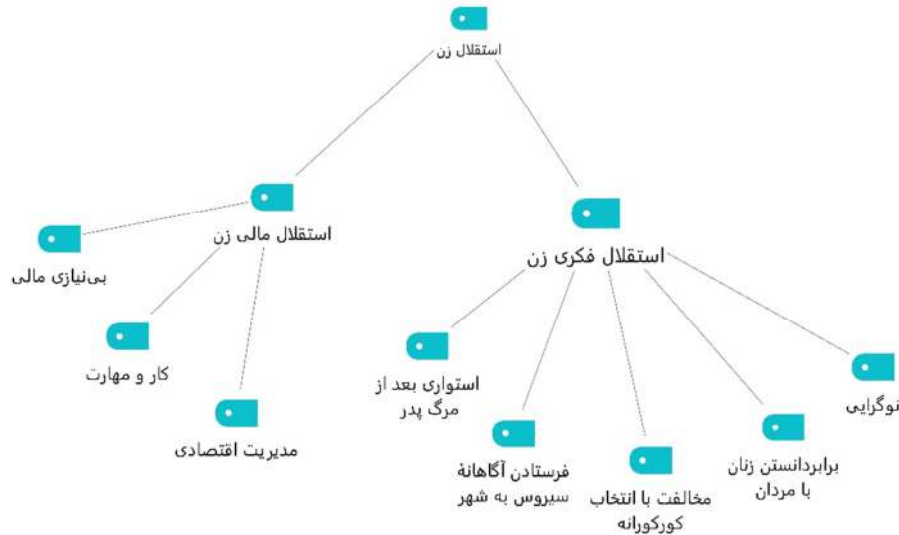
۶. فراخوانی شخصیت‌های حماسی به قصه تهمینه؛ کنشی تجددخواهانه در جهت تقویت گفتمان اصلاحات

در بافت سیاسی - اجتماعی تولید رمان (۱۳۷۶ تا زمان نگارش رمان) میان دو جریان فکری اصول‌گرا و اصلاح‌طلب بر سر زنان و مسائل مربوط به آن‌ها مناقشه وجود دارد. نویسندگان رمان‌های اسطوره‌ای نیز از این مناقشه برکنار نیستند و همین تفاوت یا، به عبارت بهتر، تقابل را در رویکرد آن‌ها به شخصیت‌های حماسی رمان‌هایشان می‌بینیم. زنان حماسی داستان، برخی از آن‌ها، به تبعیت از رویکرد جریان فکری اصلاح‌طلب، نماینده زنان مدرن، مستقل، و روشن‌فکر می‌شوند و گفتمان سنت‌گرا را به حاشیه می‌رانند. در مقابل، برخی دیگر سنت و سنت‌گرایی را برجسته می‌کنند. قصه تهمینه به دسته اول تعلق دارد.

۱.۶ استقلال زن در قصه تهمینه

۱.۱.۶ استقلال مالی زن

در ابتدای امر که اصلاح‌طلبان بر مسند ریاست جمهوری می‌نشینند شاهد روی دادهای سیاسی - اجتماعی بسیاری هستیم که رویکرد نوین آن‌ها را به مسئله زنان نشان می‌دهد؛ برای نمونه، در دولت خاتمی، دفتر امور زنان ریاست جمهوری به سطح مرکز ارتقا می‌یابد و مرکز امور مشارکت زنان نامیده می‌شود که از جمله اهداف اصلی این مرکز افزایش مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی زنان است (سرمدی ۱۳۹۷). علاوه بر این، همان‌طور که اشاره شد، درباره برخی قوانین مربوط به حقوق زنان هم میان دو جریان فکری اصول‌گرا و اصلاح‌طلب اختلاف نظر وجود دارد. در حالی که اصول‌گرایان بر توجه به تفاوت‌های جنسیتی و اجرای درست قوانین تأکید دارند، جریان فکری اصلاح‌طلب معتقد است برخی محدودیت‌های موجود درباره زنان مربوط به ساختار سنتی و گذشته جوامع است و امروزه، با توجه به گسترش دانش و افزایش فهم زنان، باید تغییرات اساسی در برخی قوانین مربوط به آن‌ها صورت گیرد. برای نمونه، آن‌ها معتقدند ریاست خانواده ویژگی ذاتی یک مرد نیست، بلکه اگر کسی عاقل، بالغ، و رشید باشد و بتواند حسن و قبح خودش را تشخیص دهد، قیم نمی‌خواهد و در کار خودش استقلال دارد (موسوی بجنوردی، به نقل از عابدی اردکانی و عظیمی ۱۳۹۱). دغدغه استقلال زنان را ما در روایت امروزی محمدعلی از تهمینه سمنگانی می‌بینیم. تهمینه سمنگانی یا، به عبارتی، سمیه سمنگانی تلاش می‌کند تا هم از جهت فکری مستقل باشد هم مالی.



شکل ۱. استقلال مالی و فکری زنان در قصهٔ تهمینه

او از همان ابتدا با خیاطی و سرمه‌دوزی نزد خانم مهربابی روزگار می‌گذراند. بعد از ترک شهر و دیار خود، به‌رغم تنه‌آلودن در تهران، از طریق مهارت‌هایش، امرار معاش می‌کند و نه تنها فردی مستقل است، بلکه به پشتوانه‌ای مالی برای دیگر زنان و دختران هم تبدیل می‌شود. او در تهران هم بی‌کار نمی‌نشیند و، علاوه بر خیاطی و سرمه‌دوزی، انواع شغل‌ها را امتحان می‌کند. تهمینه در نهایت در فروشگاه‌های استخدام می‌شود. او، که در مدیریت و تدبیر امور مالی میان همه زبان‌زداست، روزبه‌روز سرمایهٔ خود را افزایش می‌دهد و صاحب ماشین هم می‌شود.

جدول ۱. واحدهای متنی استقلال مالی زنان در قصهٔ تهمینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	متن
	توجه به فعالیت‌های اقتصادی زنان	تأکید بر استقلال مالی زنان	<p>- «امن (تهمینه) نیاز به ترجم هیچ‌کس ندارم. از نظر مالی هم در شرایطی هستم که می‌توانم خودم را اداره کنم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۶۳).</p> <p>- «بعد بین دخترها مشهور شدم به خیاط زیباروی مشکل‌گشا که هم در دوخت و تعمیر لباس‌ها کمکشان می‌کردم و هم اگر نیاز مالی داشتند، با سودی منصفانه به دادشان می‌رسیدم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۹۱).</p>

۲.۱.۶ استقلال فکری زن

علاوه بر استقلال مالی، تهمنه دارای استقلال فکری نیز هست. در مواقع بحرانی خودش تصمیم می‌گیرد. با وجود بارداری و فوت پدرش، آگاهانه سیروس را روانه تهران می‌کند تا به آرزوهایش برسد. به‌رغم اصرار و تأکید خانم مهرابی و با وجود خواستگاران زیاد، تن به ازدواج نمی‌دهد. او تصمیم می‌گیرد تهمنه شاهنامه نباشد که هرچه منتظر ماند خبری از رستم نشد. بنابراین، شهرش را برای همیشه ترک می‌کند تا هم سیروس را بیابد و از او انتقام بگیرد هم برای تحقق آرزوها و رؤیاهایش تلاش کند.

جدول ۲. واحدهای متنی استقلال فکری زنان در قصه تهمنه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله‌ها	متن
۱	تأکید بر لزوم تغییر برخی قوانین موجود درباره زنان، از جمله وجود قیم	برجسته‌سازی استقلال فکری زنان	استواری در مرگ پدر	«کمی که رفتم، دیدم جای شیون نازک دلانه من نیست. بایست در بی‌بدری هم مثل بی‌مادری تاب‌وتوان می‌داشتم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۸).
۲	تأکید بر لزوم تغییر برخی قوانین، از جمله ریاست مردان باتوجه به تکامل فکری زنان	برجسته‌سازی استقلال فکری زنان	فرستادن آگاهانه سیروس به تهران	«[تهمنه]: یعنی همه چیز به همین سادگی است که مثلاً ثابت شود تو پسر باشرفی بودی و من هم دختری چشم‌وگوش‌بسته که گول خورده؟ نه خیر! من به چشم باز کنار تو بودم و حالا هم با هوش و حواس جمع تو را از خودم دور می‌کنم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۲).
۳	تأکید بر لزوم تغییر برخی قوانین موجود درباره زنان، از جمله وجود قیم باتوجه به رشد فکری زنان	برجسته‌سازی استقلال فکری زنان	مخالفت با ازدواج بدون شناخت	«شما جای مادرمی. من حرفی ندارم باهاتش برم بیرون، ولی قول نمی‌دهم چشم‌بسته زنش بشوم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۴۵).
۴	تأکید بر لزوم تغییر برخی قوانین تبعیض‌آمیز موجود درباره زنان	برجسته‌سازی استقلال فکری زنان	برابری زن و مرد	«من [تهمنه] یک زنم، ولی هرگز خودم را از مردها کم‌تر نمی‌دانم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۷۰).
۵	عضویت نویسنده در کانون نویسندگان و روشن فکری او	تأکید بر نوگرایی و برابری	مقابله با کهنه‌پرستی و تأکید بر برابری زن و مرد	«در این شرایط اگر دعوی هم بین کهنه و نو باشد، من جانب نو را می‌گیرم. امیدوارم نوبه‌نو عوض شوم تا روزی شماها سمیه را به جرم کهنه‌پرستی دفن نکنید... در این تحولات زن اگر جایگاه واقعی خودش را پیدا نکند، دیگر به‌آسانی و به این زودی‌ها قادر نیست دم از برابری با مردها بزند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۰۰).

۲.۶ مشارکت اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی زن در قصه تهمینه

گفتمان توجه به حقوق و مسائل زنان هم‌زمان با پیروزی دولت اصلاحات بیش‌ازپیش قوت می‌گیرد و بر اهمیت نقش اجتماعی زن در جامعه تأکید می‌شود. انتخاب سیدمحمد خاتمی، به‌عنوان رئیس‌جمهوری که دغدغه آزادی‌خواهی و توجه به حقوق زنان و جوانان را دارد، با استقبال نسل جوان و هم‌چنین نویسندگان و روشن‌فکرانی همراه می‌شود. به‌این‌ترتیب، با توجه به فضای حاکم، نویسندگان نیز در ۱۳۷۷ در پی شروع دوباره فعالیت‌های کانون برمی‌آیند (نقره‌کار ۱۳۸۱: ج ۳) و محمد محمدعلی، خالق قصه تهمینه، یکی از این اعضای روشن‌فکر کانون نویسندگان است. نویسنده نوگرایی قصه تهمینه نیز بر انواع کنش‌های فرهنگی و اجتماعی تهمینه تأکید می‌کند. تهمینه محمدعلی، به‌رغم شکست در ازدواج با سیروس، از پای نمی‌نشیند. او در تهران، در کنار کار، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دیگری هم انجام می‌دهد. او دغدغه دیده‌شدن دارد؛ چیزی که در گذشته و حتی جهان حماسه از آن محروم بوده است. بنابراین، گزارش‌هایی برای روزنامه‌ها می‌نویسد، دو فیلم بازی می‌کند، رانندگی می‌کند، در حرف و عمل از نوگرایی و روشن‌فکری سخن می‌گوید و تلاش می‌کند برخلاف سنت‌ها حرکت کند.

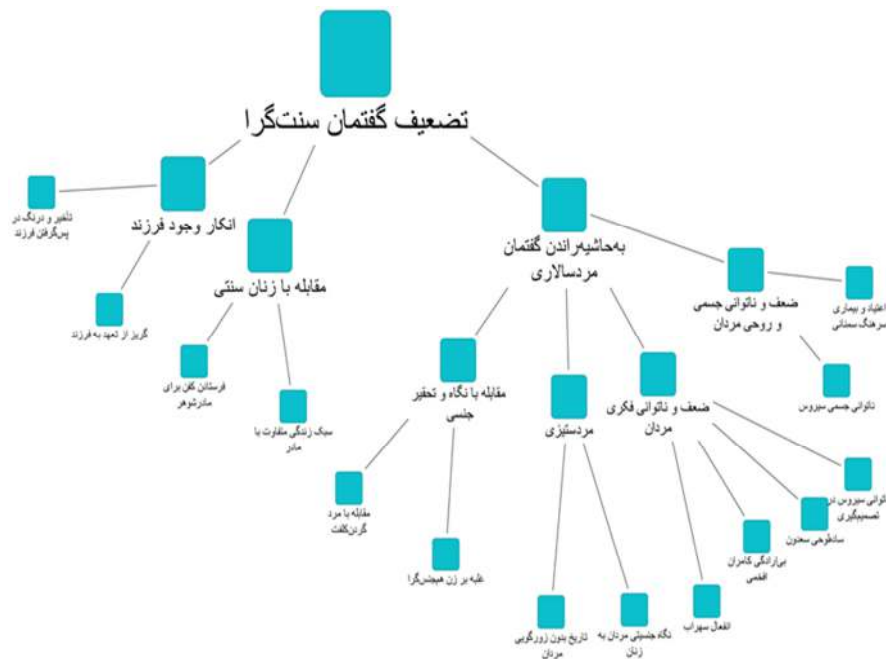
جدول ۳. واحدهای متنی مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در قصه تهمینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله‌ها	متن
۱	تأکید بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان	انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تهمینه	روزنامه‌نگاری	«دل‌خوش بود به گزارش‌های خبری که هم‌راه شاعر می‌نوشت و گاهی عکسش در مجله‌ها چاپ می‌شد» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۲۳).
۲	تأکید بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان	انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تهمینه	بازیگری	«سهیلی کارگردان فریاد زد: کات! کات! عالی بود و بعد با صدا بلند رو به شاعر گفت: با این خانم محترم صحبت کنید ببینید حاضرند نقش دوشس را هم به این خوبی بازی کنند؟» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۵۳).
۳	تأکید بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان	انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تهمینه	ثبت نام در کلاس‌های مختلف	در همین ایام کلاس آلمانی اسم نوشت. تصدیق ماشین‌نویسی فارسی و لاتین را گرفت» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۰۲).
۴	تأکید بر مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان	انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تهمینه	رانندگی کردن	«برای فراموش نکردن رانندگی چند بار اتومبیل پیکان و پژو کرایه کرد و همراه خانم سنجابی و دخترها گردش کتان تا شاه‌عبدالعظیم و چشمه‌علی ری و سد کرج رفتند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۰۲). «در چهارمین سال اقامت در تهران صاحب دومین حواله پیکان می‌شوم. این بار تصمیم گرفته‌ام پیکان را برای خودم نگه دارم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۰۷).

بنابراین، همان‌گونه‌که در این برهه زمانی به‌خوبی شاهد ایجاد فضایی برای پویایی زنان و وجود رویکردهای نوین نسبت به زن و جایگاه او هستیم، محمدعلی نیز می‌خواهد از ته‌مینه‌ای دیگر سخن بگوید؛ ته‌مینه‌ای مدرن و روشن‌فکر. ته‌مینه یا، به‌عبارت‌دیگر، سمیه‌ای که با همه سنت‌های مانع‌ساز و محدودکننده می‌جنگد. محمدعلی همه تلاشش را در این رمان برای بازنمایی چنین ته‌مینه‌ای می‌کند. او در پی آن است تا با خلق زنانی پویا، به‌روز، و سنت‌شکن برخی گفتمان‌های موجود در دولت اصلاحات را برجسته سازد و درمقابل برخی گفتمان‌های سنت‌گرا را به‌حاشیه براند.

۳.۶ تضعیف گفتمان سنت‌گرا

نویسنده قصه ته‌مینه درکنار برجسته‌سازی گفتمان مسلط اصلاح‌طلب تلاش می‌کند تا گفتمان دیگر را، که در این دوره درحاشیه است، تضعیف کند. او این هدف را از طریق پرداختن به مقوله‌هایی چون به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری، مقابله ته‌مینه با زنان سنتی، و انکار فرزند از سوی او محقق می‌کند.



شکل ۲. تضعیف گفتمان سنت‌گرا در قصه ته‌مینه

۱.۳.۶ به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری

در بافت فرامتن رئیس‌جمهور دولت اصلاحات استیلای فرهنگ مردسالاری را از جمله مهم‌ترین مشکلات زنان ایران می‌داند (سرمدی ۱۳۹۷) که از جمله اقدامات اصلاح‌طلبان در این زمینه اعمال نگرش جنسیتی و گنجانیدن واژه عدالت جنسیتی در برنامه چهارم توسعه است. رویکرد عدالت جنسیتی در پی ارائه فرصت‌های مساوی برای زنان مانند مردان در کلیه بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی است تا زمینه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی مهیا کند (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران ۱۳۸۳: ۳۸). هم‌چنین، اقدام دیگر دولت اصلاحات موافقت با لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض از زنان است (مجله زنان، ۹ خرداد ۱۳۷۸، به‌نقل از سرمدی ۱۳۹۷: ۱۰۴).

۱.۱.۳.۶ ضعف و ناتوانی کنش‌گران مرد داستان

محمدعلی و کنش‌گران زن داستان او نیز در تلاش‌اند تا استیلای گفتمان مردسالاری را تضعیف کنند. به‌این ترتیب، محمدعلی محوریت داستان را ته‌مینه و دیگر زنان قرار می‌دهد. درمقابل برخی شخصیت‌های حماسی و غیرحماسی مرد را هم به‌داستان می‌آورد. اولین اقدام او در جهت تضعیف گفتمان مردسالاری هم‌راه‌کردن ضعف و ناتوانی جسمی و فکری با شخصیت‌ها حماسی مرد است. محمدعلی برای برجسته‌کردن کنش‌های ته‌مینه، شخصیت مقابل او، یعنی سیروس زابلی را، که درواقع تداعی گسترده زابلی است، به داستان فرامی‌خواند، اما سیروس شخصیتی است که نه‌تنها از نظر فکری فردی ضعیف و ناتوان است و سررشته امور زندگی‌اش در دست مادرش است، بلکه از نظر جسمی هم مبتلا به بیماری‌های جسمی و هم‌چنین روحی است. دیگر کنش‌گران حماسی و غیرحماسی مرد این داستان هم یا از دنیا رفته‌اند یا دچار بیماری‌های جسمی، روحی، و ناتوانی در تصمیم‌گیری‌اند.

جدول ۴. واحدهای متنی ضعف و ناتوانی فکری و جسمی مردان در قصه تهمینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله	متن
۱	تضعیف گفتمان سنت‌گرا	به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری	ضعف و ناتوانی جسمی و روحی مردان	<p>۱. «[سرهنگ سمنانی] چند بار آمد طرف تهمینه تا کتکش بزند، اما دردمندانه برگشت ... عاقبت مشت خود را محکم به آینه کوبید. آینه فقط ترک خورد. [تهمینه] سال‌ها پیش در خانه‌ای دیگر دیده بود پدرش با مشت آهنین خود آجری را به دو نیم کرد و حالا ... زیر لب خندید» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۶).</p> <p>۲. «[سیروس] لحظاتی بعد از روی ویلچر بلند شد تا مرا در آغوش بگیرد، اما پاهایش انگار به خواب سنگینی رفته باشد، پیش نیامد. هوا را چنگ زد و برگشت به ویلچر» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۱۰).</p> <p>«سیروس تته‌پته می‌کرد تا حرفی بزند و من می‌مردم از خنده» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۱۱).</p>
۲	تضعیف گفتمان سنت‌گرا	به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری	ضعف و ناتوانی فکری مردان	<p>۱. «سیروس، که گیج و منگ بود، ناگهان زمین نشست و پیشانی من و مادرش را بوسید» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۲).</p> <p>۲. «خواهرش از زیر چادر سفلمه‌ای به او [سعدون خواستگار تهمینه] زد که مواظب حرف زدنش باشد. خواستگار فهمید که جواب مناسبی نداده، ساکت شد» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۵۰).</p> <p>۳. «من خر (کامران افخمی) نمی‌توانم بین تو و ثروت خانوادگی یکی را انتخاب کنم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۶۶).</p> <p>۴. «چرا این پسر [سهراب] از خودش نمی‌پرسد رابطه دو زنی که تر و خشکش می‌کنند چیست؟ یا زنی مثل من چرا یک‌باره سروکله‌اش پیدا شد؟» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۳۱۲).</p>

۲.۱.۳.۶ مردستیزی و مقابله با نگاه جنسی مردان

مردستیزی تهمینه را بارها در کنش‌های کلامی و رفتاری او می‌بینیم. او همواره به نگاه ابزاری مردان در مقایسه با زنان اعتراض می‌کند. هم‌چنین، تحقیرهای جنسی مردان و دیگر کنش‌گران را نیز بی‌پاسخ نمی‌گذارد.

جدول ۵. واحدهای متنی مردستیزی در قصهٔ ته‌مینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله‌ها	متن
	تضعیف گفتمان سنت‌گرا	به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری	مردستیزی	۱. اعتراض به نگاه ابزاری و جنسیتی به زن: «در طول تاریخ، مردها زن‌ها را لعبتی در رخت‌خواب یا مادری در بهشت دیده‌اند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۷۰). «من بهش می‌گویم برزو؛ چون تا بوی زن می‌شوند مثل وزغ چشم‌هاش را باز می‌کند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۸۰). ۲. تاریخ نو بدون زورگویی مردان: «من دوست دارم از تاریخ حرف بزنم ... اگر مثل من شامهٔ تیزی داشته باشید، می‌توانید بوی زورگویی مردان را از ورق‌ورق آن استشمام کنید. من، ته‌مینهٔ سمنانی یا سمنگانی، دربارهٔ تاریخ نو حرف می‌زنم. چیزی که خیلی‌ها از آن سر در نمی‌آورند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۲۸۴).
	تضعیف گفتمان سنت‌گرا	به‌حاشیه‌راندن گفتمان مردسالاری	مقابله با خشونت جنسی	۱. غلبه بر زن هم‌جنس‌گرا: «ته‌مینه» نباید تحقیر شده و توسری خورده از این‌جا برود ... آرام‌آرام زن را به‌دنبال خود تا انتهای باغ کشاند. بعد یک‌باره به‌سوی او هجوم برد و هلش داد طرف سیم‌های خاردار و پا گذاشته به فرار» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۰۱). ۲. مقابله با مرد گردن‌کلفت: «ته‌مینه»: «پریروز از در شمالی دانشگاه رد می‌شدم، ... با این‌که هم‌چین جایی پایین شهر نیست، یک آقای گردن‌کلفتی مست کرده بود و به زنی که به‌زور سوار ماشینش کرده بود می‌شاشید ... من رفتم جلو با کیف زدم تو سرش. تا آمد مرا بگیرد، یک لگد پراندم وسط پاش. روسری از سرم افتاد. صاحب رستوران مرا شناخت و آن مرد شاشوی بی‌ادب را فراری داد» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۹۸).

۲.۳.۶ مقابله با زنان سنتی

یکی دیگر از کنش‌های ته‌مینه در این داستان مقابله با نسل سنتی کنش‌گران زن است. او اصرار دارد زنی شبیه به آن‌ها نباشد. بنابراین، از الگوی زندگی مادرش تبعیت نمی‌کند. از سوی دیگر، نگاه او و، به‌تبع او، راوی و به‌خصوص نویسنده به دیگر مادران سنتی داستان هم نگاه محبت‌آمیزی نیست. ته‌مینه، با این‌که می‌داند این خانم مهرابی است که به‌دور از چشم او مراقبش است، هرگز یادی از او نمی‌کند و حتی تماسی با او نمی‌گیرد. حتی، ابتدای ورود به تهران، اولین اقدام او خرید و پست‌کردن کفن برای خانم مهرابی است، که در واقع مادرشوهر اوست. این کنش ته‌مینه به‌نوعی نشان‌دهندهٔ تلاش او برای کشتن و

از بین بردن سنت‌هاست. خانم افخمی از دیگر مادران سنتی است که ته‌مینه دوست دارد جایش را بگیرد و در نهایت نیز با قیمت‌گذاری ناچیز، که بیش‌تر به قصد تحقیر خانم افخمی صورت می‌گیرد، خانه و اموال او را تصاحب می‌کند. نامادری سهراب یا همان عمه کامران افخمی نیز از دیگر مادران سنتی است که ته‌مینه نگاهی تحقیرآمیز به او دارد.

جدول ۶. واحدهای متنی مقابله با زنان سنتی در قصه ته‌مینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله‌ها	متن
	تأکید بر لزوم تغییر قوانین مردسالارانه	تضعیف گفتمان سنت	مقابله با زنان سنتی	<p>۱. سبک زندگی متفاوت با مادر: «ته‌مینه خیره‌سرت‌تر از آن بود که مثل مادرش زندگی کند» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۷).</p> <p>۲. «بعد آدرس گرفتم برای خریدن یک دست کفن اعلا و همان هفته اول خریدم و پست کردم برای خانم مهرابی که مثلاً مادرشوهرم بود» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۸۹).</p> <p>۳. «عمه‌خانم [خانم سلطنت شوقی]، به‌رغم ملاحظت، زیبایی خاصی نداشت. غالباً پیراهن و دامنی تا سر زانو می‌پوشید و انگار که همیشه مضطرب است، انگشت‌هاش را درهم قلاب می‌کرد و به‌هم می‌فشرده» (محمدعلی ۱۳۸۹: ۳۱۰).</p>

۳.۳.۶ انکار و انتخاب فرزند؛ تردید میان سنت و تجدد

یکی از قرائن دیگر که ما در قصه ته‌مینه می‌بینیم و ریشه در بافت فرامتن دارد، نوع نگاه ته‌مینه به نقش‌های چندگانه‌اش یعنی زندگی به‌عنوان یک مادر نمونه یا زنی فعال در ابعاد مختلف جامعه است. همان‌طور که در بافت فرامتن دیدیم، در گفتمان اصلاح‌طلب هم تأکید بر نقش مادری و همسری زن است هم هم‌زمان فعالیت‌های اجتماعی او. این تردید در اولویت‌بندی نقش‌ها و کشمکش درونی زن بر سر آن‌ها را در رمان هم می‌بینیم. کشمکش‌های درونی ته‌مینه نشان می‌دهد که می‌داند فرزندش زنده است، اما نمی‌خواهد آن را باور کند. او در جایی حتی وجود فرزند را مانع پیشرفت می‌داند و درمقابل گاهی از حس مادری سخن می‌گوید و نگران سرنوشت فرزندش است.

جدول ۷. واحدهای متنی انکار وجود فرزند در قصه تهمینه

ردیف	بافت فرامتن	مقوله‌های موجود در متن	زیرمقوله‌ها	متن
	تأکید بر لزوم تغییر قوانین مردسالارانه	تضعیف گفتمان سنت	انکار وجود فرزند	<p>۱. ابراز رضایت از مرگ فرزند: «احساس کردم چه قدر جا دارم برای بازی گوشی، چه قدر اقبال داشته‌ام که در آستانه بیست و دو سالگی بچه‌ای جلو دست و پایم را نگرفته است» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۳۸).</p> <p>۲. گریز از مسئولیت فرزند: «سهراب من اگر زنده می‌ماند، هم اندازه او می‌بود. او، که با چشم مرا دنبال می‌کرد، با نگاه مرا می‌خواست و من در آن شلوغی از او گریزان بودم. از چه می‌ترسیدم جز تعهد به خودم و به آن بچه بی‌پدر» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۳۸).</p> <p>۳. درنگ در گرفتن فرزند: «پس گرفتن سهراب هیچ سودی برای سهراب نداشت. لحظاتی حس مادر بودن را چشیدم، ولی زود پشش زدم. سهراب در صورتی خوشبخت می‌شد که خودم با کامران به توافق می‌رسیدم. درثانی، در مقایسه با خانواده افخمی خودم موقعیت قابل توجهی نداشتم که سهراب را بیاورم پیش خودم» (محمدعلی ۱۳۸۲: ۱۸۱).</p>

اگرچه مسئله توجه به زنان در ابتدای دولت اصلاحات بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد، در نهایت، به دلایل مختلفی، از جمله کم‌توجهی اصلاح‌طلبان و هم‌چنین مخالفت‌ها و واکنش‌های تند جریان فکری سنت‌گرا، همه آن‌چه در آغاز نوید داده می‌شود تحقق نمی‌یابد. موضوعاتی مانند برجسته کردن حقوق زنان از جمله بارزترین شعارهای دولت اصلاحات است. تکیه بر همین شعارها و به تبع آن نقش‌آفرینی زنان و جوانان در به‌رویی کارآمدن دولت اصلاحات باعث می‌شود که توقعات از این دولت از همان نخستین روزها دوچندان شود و حامیان اصلاح‌طلبان انتظار وجود وزیر زن را در دولت اصلاحات داشته باشند؛ امری که تا آن روز در دولت‌های پیشین اتفاق نیفتاده بود. اما، نه در دور اول ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی نه حتی در دور دوم نام هیچ زنی به‌عنوان وزیر به مجلس پیش‌نهاد نمی‌شود و زمانی که رئیس‌جمهور مقابل این سؤال قرار می‌گیرد که «چرا در میان وزیران انتخابی‌تان نام هیچ زنی دیده نمی‌شود؟»، پاسخ می‌دهد: «نمی‌خواهم با انتخاب یک زن به‌عنوان وزیر ریسک کنم» («سهم زنان از دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد، و روحانی» ۱۲ خرداد ۱۴۰۰).

در این دوره است که سازمان‌های غیردولتی زنان شکل می‌گیرد و زنان در امور سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی مشارکت دارند (فوزی ۱۳۹۹)، اما این مشارکت در مقایسه با حضور مردان در این نوع فعالیت‌ها چشم‌گیر نیست. علاوه بر این، اعتراض‌ها و جنبش‌های متعددی

هم در این دوره درباره موضوعات مختلف و مرتبط با زنان یا با حضور زنان صورت می‌گیرد که از جمله می‌توان به توقیف روزنامه زن اشاره کرد. روزنامه زن، نخستین روزنامه زن‌محور، با هدف پرداختن به مشکلات و حقوق زنان از سال ۱۳۷۷ شروع به کار می‌کند، اما در ۱۳۷۸، هم‌چون برخی روزنامه‌های دیگر، توقیف می‌شود که واکنش‌هایی را به دنبال دارد (نقره‌کار ۱۳۸۱: ج ۳).

در ۱۳۸۱، شورای نگهبان طرح حق طلاق زنان را رد می‌کند. هم‌چنین، موفقیت‌های زنان، آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مثلاً، در مهر ۱۳۸۲، شیرین عبادی، از فعالان حقوق زنان، برنده جایزه صلح نوبل می‌شود. جایزه صلح نوبل عبادی موفقیت بزرگی برای جنبش اصلاحات و جنبش زنان محسوب می‌شود. شیرین عبادی، که هنگام انتشار خبر این واقعه خارج از ایران بود، در بازگشت در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال جمع زیادی از هم‌وطنانش قرار می‌گیرد. در این جمع فعالان حقوق زنان، فعالان احزاب، و حتی اصلاح‌طلبان حضور داشتند، اما در آن روزها سنت‌گرایان مذهبی به شدت به اعطای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی واکنش منفی نشان می‌دهند و روزنامه‌هایی مانند کیهان، رسالت، و انتخاب او را محکوم می‌کنند (سرمدی ۱۳۹۷: ۱۴۸-۱۴۹). حتی برخی اعطای این جایزه را امری بی‌اهمیت و سیاسی قلمداد می‌کنند (رضادوست و پیوسته ۱۳۹۸: ۱۳۵).

قصه تهمینه نیز آینه تمام‌نمای تردید و دوگانگی زنان است؛ زنانی که میان سنت و تجدد گرفتار شده‌اند و، در نهایت، به‌رغم تلاش گفتمان تجددخواه اصلاح‌طلب، این بُعد سنت است که پیروز می‌شود و زنان هم‌چنان در جایگاهی فروتر از مردان حرکت می‌کنند. هم‌چون بافت فرامتن، به‌رغم توجه دولت اصلاحات، در نهایت موانع و مشکلات زنان آن‌گونه که باید رفع نمی‌شود. به عبارت بهتر، تب توجه به حقوق زنان که در ابتدا شدت می‌گیرد، سرانجام فروکش می‌کند. محمدعلی نیز کنش‌گران زن داستانش را در نهایت به حاشیه می‌برد و این کنش‌گران مردِ رمان‌اند که تعیین‌کننده و غالب‌اند. بنابراین، درحقیقت، این نویسنده است که برای قهرمان اصلی داستانش کنش‌هایی متناقض‌گونه ترسیم می‌کند. تهمینه در ابتدای داستان به مخاطب وعده انتقام از سیروس را می‌دهد، اما در نهایت هم فکر انتقام و هم‌چنین آرمان‌هایش را کنار می‌گذارد و با سیروس ازدواج می‌کند و دغدغه‌هایی هم‌چون دیگر زنان سنت‌گرا می‌یابد. هرچند ازدواجش خیلی دوام نمی‌یابد و سیروس کشته می‌شود، باز هم زندگی‌اش را با هم‌راهی مردانی چون شاعر و کامران ادامه می‌دهد. در مجموع، همه کنش‌های او حتی یافتن سیروس با هم‌راهی مردان است و این مردان‌اند که یاری‌گر او هستند.

۷. نتیجه‌گیری

محمد محمدعلی، عضو کانون نویسندگان، در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ در رمان قصه تهمینه به تأثیر از گفتمان اصلاحات، زنان و مسائل مربوط به آن‌ها را مرکز توجه خود قرار می‌دهد. کنش‌گران زن داستان او دغدغه‌هایی مشابه با بافت فرامتن خود دارند. محمدعلی به یاری کنش‌گران حماسی خود به طرح مسائل چالش‌برانگیز زنان می‌پردازد که دو جریان فکری اصول‌گرا و اصلاح‌طلب بر سر آن اختلاف‌نظر دارند. او با ایجاد گشتارهایی در کنش شخصیت‌های حماسی پیش‌متن خود (شاهنامه فردوسی) مسائلی هم‌چون استقلال مالی و فکری، شرکت در انواع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، و هم‌چنین تدبیر و اقتدار را برای زنان به‌عنوان حقوق اولیه و بدیهی بازنمایی می‌کند و با ترسیم ویژگی‌ها و کنش‌هایی برای کنش‌گران حماسی مرد آن‌ها را تضعیف می‌کند و به حاشیه می‌برد. محمدعلی کنش‌گرانی را به داستان فرامی‌خواند که یاری‌گر او در پیش‌برد داستان مطابق نیاتش باشند. نویسنده رمان قصه تهمینه به یاری شخصیت‌های حماسی و با برجسته‌سازی یا به حاشیه‌راندن کنش‌های آن‌ها تلاش می‌کند برخی هنجارهای موجود بافت سیاسی - اجتماعی را تقویت و برخی را تضعیف کند. او تهمینه‌ای را به داستان فرامی‌خواند که خود بیش از هرکسی در داستان رستم و سهراب نادیده گرفته شده است و به‌خوبی می‌تواند حقوق و جایگاه واقعی زنان را فریاد بزند. ذکر این نکته لازم است که هم‌چون بافت فرامتن، به‌رغم توجه دولت اصلاحات، درنهایت، موانع و مشکلات زنان آن‌گونه که باید رفع نمی‌شود. به‌عبارت‌بهرتر، تب توجه به حقوق زنان که در ابتدا شدت می‌گیرد، سرانجام فروکش می‌کند. در پایان این داستان نیز زمام امور در دست مردان است و زنان هم‌چنان در حاشیه‌اند و کنش‌گران مرد هستند که تعیین‌کننده و غالب‌اند.

پی‌نوشت

۱. تحلیل محتوایی - کیفی روشی برای تفسیر محتوایی داده‌های متنی از طریق طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، تم‌سازی، و یا طراحی الگوهای شناخته‌شده است (ایمان و نوشادی ۱۳۹۰: ۲۰).

کتاب‌نامه

ابوت، اچ. پورتر (۱۳۹۷)، سواد روایت، ترجمه رؤیا پورآذر و نیما مهدی‌زاده اشرفی، تهران: اطراف.

استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰)، *اصول روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵)، *مبانی پژوهش کیفی*، تهران: نی.

ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، س ۳، ش ۲.
بزرگ بیگدلی، سعید و دیگران (۱۳۸۹)، «تحلیل سیر بازتاب مضامین و روایت‌های اسطوره‌ای ایرانی در رمان‌های فارسی (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۱۳۸۷)»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۹.

بزرگ بیگدلی، سعید و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۸۹)، «عمده‌ترین جریان‌های رمان‌نویسی معاصر در انعکاس روایت‌های اسطوره‌ای»، بیک نور، س ۱، ش ۱.

بشیریه، حسین (۱۳۹۷)، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی*، تهران: نگاه معاصر.

پرینس، جرالده (۱۳۹۵)، *روایت‌شناسی؛ شکل و کارکرد روایت*، ترجمه محمد شهبان، تهران: مینوی خرد.

جهان‌بخش، فرانک (۱۳۸۷)، *نقد فمینیستی رمان‌های محمد محمدعلی*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا.

حاجتی سرشکه، الهه (۱۳۹۶)، *تحلیل بازآفرینی‌های "رستم و سهراب" در داستان‌های معاصر فارسی*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.

حسینی، مریم و فرانک جهان‌بخش (۱۳۸۹)، «سیمای زن در رمان‌های برگزیده محمد محمدعلی با تأکید بر نقد ادبی فمینیستی»، *زن در فرهنگ و هنر*، س ۱، ش ۹.

خاتمی، سیدمحمد (۱۳۷۹)، *زنان و جوانان*، تهران: طرح نو.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸۵)، «نگاه عبدالعلی دستغیب به قصه تمینه»، *رودکی*، ش ۱۱.

رضادوست، کریم و صادق پیوسته (۱۳۹۸)، *بررسی تحولات اجتماعی ایران سه دهه پس از انقلاب اسلامی*، تهران: اندیشه احسان.

روشه، گی (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران: سمت.

سرمدی، پرستو (۱۳۹۷)، *زنان و دولت پس از انقلاب*، تهران: کویر.

سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۹۷)، *قدرت، گفتمان، و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.

«سهم زنان از دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد، و روحانی» (۱۲ خرداد ۱۴۰۰):

فراخوانی شخصیت‌های حماسی در رمان ... (اعظم نیک‌خواه و سمیرا بامشکی) ۳۲۵

عابدی اردکانی، محمد و پروین عظیمی (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی دیدگاه‌های جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶-۱۳۸۴)»، پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، ش ۱۲.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، *شاهنامه*، تهران: سخن.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *شاهنامه*، تهران: سخن.

فلیک، اووه (۱۳۹۴)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

فوزی، یحیی (۱۳۹۹)، *تحولات سیاسی-اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.

قاسم‌زاده، سیدعلی و سعید بزرگ بیگدلی (۱۳۹۷)، *رمان اسطوره‌ای؛ نقد و تحلیل جریان اسطوره‌گرایی در رمان فارسی*، تهران: چشمه.

کیوی، ریمون و لوکوان کامپنهود (۱۳۹۲)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

گلستان، ماکن (۱۰ خرداد ۱۴۰۰)، «داستان پایان‌ها»:

<https://vista.ir/m/a/7rhw8%D8%AF%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86%D9%87%D8%A7>.

گل‌مرادی، صدف، حسین فقیهی، و نعمت‌الله فاضلی (۱۳۹۳)، «نقد جامعه‌شناسانه سرمایه‌های زنان در رمان قصه تهمینه محمد محمدعلی براساس نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۶، ش ۱.

محمدعلی، محمد (۱۳۸۹)، *قصه تهمینه*، تهران: کتاب‌سرای تندیس.

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳)، «موانع مشارکت سیاسی زنان»، *رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۱۲.

میرعابدینی، حسن (۱۳۹۷)، *صد سال داستان‌نویسی*، تهران: چشمه.

مینوی، مجتبی (۱۳۵۱)، «فردوسی ساختگی و جنون اصلاح‌قدم»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، س ۱۹، ش ۳ و ۴.

مهراد، حامد (۱۳۹۱)، *دگردیسی اسطوره در رمان فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بیرجند: دانشگاه بیرجند.

نقره‌کار، مسعود (۱۳۸۱)، *بخشی از تاریخ جنبش روشن‌فکری ایران*، سوئد: باران.

یان، مانفرد (۱۳۹۹)، *روایت‌شناسی راهنمای خواننده به نظریه روایت*، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: علمی و فرهنگی.

یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس (۱۳۹۶)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.